



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۵/۲۲



صلاح الدین سعیدی

بیسواد اند یا لنده غر؟



در عالم اسباب همان نظام و حاکمیت مردمی، قوی و توان تطبیق برنامه های خیر، عمرانی، سیاسی و اقتصادی را دارد که از اراده مردم و توسط مردم و برای خدمت و پرورش ارزشهای ملی و انسانی برآمده و به آنها متعهد باشد. مسلماً بخشی از ارزشهای جامعه و مردم ما مانند یک کشور و جامعه مسلمان با ارزشهای جوامع دیگر غیر اسلامی و غیر افغانی متفاوت اند.

آنهایی که از داخلی ها و خارجی ها زمام امور کشور ما را درین ۴ دهه در اختیار داشتند و این مسأله اساسی را نه دانستند و توقعات دیگری از ما داشتند ناکام شدند و ناکام خواهند شد. برای زمامداران داخلی و خارجی ۱۸ سال اخیر افغانستان توصیه جدی دارم تا ایشان حد اقل فهم خویش را از دیموکراسی با در نظر داشت تأکید فوق علمی تصحیح کنند!

ما بارها نوشتیم و مفصل مستدل ساختیم که اقتصاد بازار آزاد که در آن توانایی رقابت آزاد وجود ندارد و در اکثر موارد نداشت، روابط مافیایی حاکم بود و است، تطبیق قانون و حاکمیت قانون برای حلقه های مافیایی وجود نداشت، عده ای از مافیای قدرت بنادر افغانستان را در اختیار داشتند و تاجر صادق توان مقابله به ایشان را نداشت... و دیموکراسی لجام گسیخته و بدون حاکمیت قانون وجود داشت و در موارد زیادی وجود دارد، چنین دیموکراسی و چنین اقتصاد بازار آزاد و چنین دیموکراسی قابل قبول نیست، وحشی است، مردود است عواقب و طباعت های سخت خطر ناکی برای جامعه و کشور ما دارد!

این چنین دیموکراسی و چنین فرصت های اقتصاد مافیایی و مداخله همسایه های مکار، فرصت تاخت و تاز به عزت و ناموس کشور و ملت افغان میدهد، روبا را قهرمان و قهرمان را شخص عادی، دزد، رهن و جنایتکار، جاسوس، خائن و پست فطرت را شخص ارجمند، شخصیت مطرح سیاسی، تاجر مطرح و شخص ارجمند ساخت و یا معرفی کرد و انسان خادم، صالح و دانشمند سرمایه ملت را به نان شکم خود و نان شکم فامیل خویش محتاج ساخت. کار و زمام امور در موارد زیاد به محیل ترین، ارتجاعی ترین، مکار ترین، اجنت و جاسوس اجنبی و مافیایی مالی رسید.

انتخابات پارلمانی، آمادگی برای انتخابات ریاست جمهوری، پروسه مذاکرات و تلاشهای صلح جویانه افغانستان، سیاست کادری در عرصه های مختلف و رونق و قوت گرفتن تاجران قومی، سمتی و زبانی، چور و به یغما بردن بانک ها، معادن لاجورد و زمرد، رسیدن پاکستان به اهدافی چون کشیدن سرحد و سیم خار دار در داخل افغانستان به میل خود و راکت پرانی های متواتر پاکستان بر افغانستان، تحت فشار امریکا، سکوت حاکمیت افغان بر این خیانت های ملی همه و همه بخشی از عواقب خطرناکی اند که به این اکتفا نخواهند شد!

ملته آواز می اوری!

کشتی دوبیری!

عده زیادی از افغان های باشرف و با عزت در خواب خرگوش اند و یا مست شعارهای میان تهی و تدابیر غیر مؤثر و حد اکثر شولپته بخو و پردیته کو! اند. برای ما نیز توصیه دارند تا سبب خشم مافیایی قدرت و استخبارات مکار و محیل نشده، حیات خود و فامیل خود را به مخاطره مواجه نسازم.

ملته!!

آواز می اوری! کشتی دوبیری!!

و حال که درین سلسله در خاص قرار داریم می خواهم بپرسم که عده ای از نظریه پردازان و افراد مطرح سیاسی با طرح های مشخص خویش بیسوادی اند یا لنده غری؟
ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان ختم کار ریاست جمهوری را در اول جوزای سال پنجم بعد از تدویر انتخابات میداند. حاکمیت دوسره به خواب خرگوش رفته بود، عمداً و یا به اثر مشکلات تخنیکی، پروسه مسأله مصالحه سیاسی، و یا به علت و عامل منافع و مصالح امریکا، مافیای زور و زر داخلی، مصروفیت حکومت افغان بر مسایل بدون اولویت، مصروفیت بر لویه جرگه مشورتی، ادامه اغواء، فریب، شرارتهای پاکستانی و ایرانی و ... نتوانست انتخابات ریاست جمهوری افغانستان را مانند دور قبل به موقع دایر کند. درین عرصه به تحلیل من حاکمیت مانند بخشی از عرصه های دیگر کم آمده و هیچ یک از عوامل فوق مبرر و برائت دهنده حاکمیت فعلی نیست و بوده نمی تواند.
حاکمیت مقصر است. این تقصیر از چه ناشی شده بحث جدا است اما حاکمیت مقصر است!

خوب حال که وضع چنین است چه باید کرد؟

نظام برانداز اندیشید، حکومت مؤقت، استعفی از کاندید شدن رئیس جمهور غنی برای بار دوم و ادامه کارش مانند رئیس جمهور سرپرست، تشکیل کدام شورای نظامی و یا هم مراجعه به قانون اساسی موجود و قاعده موجود بازی؟

حق تفسیر قانون اساسی باکیست؟

کاندیدان ریاست جمهوری حق تفسیر رسمی قانون اساسی را دارند؟
آیا رئیس جمهور برحال حق دارد خود را بار دوم انتخاب کند و قانون گذار نمی دانست که ممکن در صورتی که رئیس جمهور برحال مانند کاندید مرتبه دوم، انتخابات را تحت تأثیر حاکمیت دولتی خویش قرار دهد و باز هم چنین اجازه را داده؟

قانون اساسی چه میگوید و در دنیا چطور است؟

چه بهتر و چه مانند طرح میشود در قانون اساسی جدید تغییر داده شود که بهتر است؟
این و چندین طرح دیگر که بخشی آن از دهن کاندیدان ریاست جمهوری با زرق و برق مطبوعات و میدیا توام با تهدید های سرکوجه و مافیایی هم شنیده میشود و دیده میشود .
اصح ترین و مستند به قانون اساسی همین روش است که ماده قانون اساسی (ماده ۶۱) از جانب مرجع تفسیر قانون اساسی تفسیر شود که شده و تمام قوا تمرکز کند براین که در افغانستان به اولین فرصت ممکن انتخابات ریاست جمهوری شفاف، سراسری، مطابق قانون برگزار گردد .
طرح های دیگر و لو بخش از ایشان منطقی هم اند در قاعده داده شده موجود یعنی قانون اساسی وجود ندارند و میشوند در وقت تغییر قانون اساسی قانونگذار آنرا در نظر بگیرد اما حال قواعد بازی بر مبنای قانون اساسی موجود تنظیم میشوند .

آنهایکه طوری دیگر تجویز و تأکید دارند، طور دیگر تحمیل و تهدید دارند، نظام برانداز میاندیشند و این اعمال شان به خواست دشمن پاکستانی و ایرانی مطابقت دارد . اگر این کاندیدان که بخش مطرح شان جزء حاکمیت هم بودند درین پنج سال گذشته این حاکمیت را تحمل کردند و درین پروسه انتخابات که استناد قانون اساسی هم دارد و طرح های شان در مقایسه به تفسیر قانون اساسی توجیه و قوت قانونی ندارند یا بیسواد اند، یالند و یا هم اجیر دشمن ! ملت باید این را بداند و خود ایشان نیز جایگاه خود را درین سه کتگوری تعیین کنند !

یک مظهر بس خطرناک دیگر آنچه در افغانستان در پارلمان جدید درین روزها گذشت فروش آراء توسط وکیلان جوان به حلقات مافیایی است. درین مورد که چنین خیانت شده، شک و تردیدی ندارم اما ملت باید بداند که این یک سگنال و زنگ بس خطرناک و جدی به روشهای بعدی چنین پارلمان خواهد بود و است. این پارلمان خطر جدی به تمامیت ارضی، استقلال، حیثیت و بقای افغانستان است که نتیجه منطقی روشهای حاکمیت ۱۸ ساله است و ملت افغان باید سخت نگران آن باشند .

مراجع عدلی و قضایی کشور و نیرو های امنیتی کشور باید به صورت جدی در مستند سازی چنین خیانت ها دست به کار شوند !

آواز می اورئ !

کشتی دویبری !



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

بیسواد اند یا لنده غر؟

[Saidi_s_dessewaadand_yaa_landa_ghar.pdf](#)